

پوشش ضد امپریالیستی! فریب کاری رنگ باخته



گفتمان سازی حول محور مقاومت اما به حوزه های دیگری، هرچند جزئی نفوذ کرد: سه جریان مجله هفته، نشریاتی دانشگاهی چون «آنک»، «چشمه»، «پایدیا»، «آذر»، «تیمار» در دانشگاه های تهران، نشریه «گولان» در دانشگاه کردستان و سایت کذایی «تدارک کمونیستی» با رئیس فرقه شان آقای بهمن شفیق، از جمله اندامها و پیکرهایی از گفتمان محورمقاومت است که خزعبلات موسوم به «علیه سرنگونی / علیه سرمایه داری» نمی تواند دفاع جانانه شان از طبقه حاکم در ایران را زیر کلی گویی های مارکسیستی لاپوشانی کند.



پوشش ضد امپریالیستی! فریب کاری رنگ باخته

بخشی از مبارزه نیروهای رهایی بخش با حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی که همواره از نقشی تعیین کننده برخوردار بوده است، نشانه گرفتن اندامهایی از حاکمیت است که شاید از بدو بسته شدن نطفه ی این رژیم تا کنون، جزئی جدایی ناپذیر از پیکر رژیم بوده اند که به سان وظیفه ای مبرم برای نیروهای رهایی بخش در آمده است.

این اندام دقیقا متشکل از نیروهایی است که به پاس صرفا هارت و پورت رژیم علیه «شیطان بزرگ»

آمریکا (نه امپریالیسم در معنای مفهومی چپ)، در لحظات سرنوشت سازی بزرگترین ناکامی ها را در مبارزه علیه دولت‌های امپریالیستی و حاکمیت داخلی موجب شده است.

امروزه این نیرو که زیر عبای رژیم خود را مبارز ضدامپریالیستی می‌خواند، توأمان و در ظاهر دغدغه‌ی رهایی نیروی کار از زیر تیغ استثمار را نیز دارد، از جمله اندامی از رژیم محسوب می‌شود که مبارزه علیه آن بایستی از دغدغه‌های امروز چپ مبارز باشد.

در ادامه‌ی پروژه‌ی نظامی-سیاسی طبقه‌ی حاکم ایران در داخل و منطقه، که مهمترین جبهه‌های کمونیستی و سوسیالیستی ضدامپریالیست خاورمیانه را به قهقرا کشاند و از کشتار نیروهای این جبهه‌ها چه در داخل مرزهای ایران و چه منطقه غافل نماند، جریانی به‌ظاهر مستقل از بدنه‌ی رژیم و منتقد سیاست‌های سرمایه دارانه اش شکل گرفت که بخشی از پیشینه‌ی گفتمانی-تاریخی آن متعلق به سال‌های آغازین پس از انقلاب 57 است.

این جریان در فضاها‌ی خارج کشور، فضاها‌ی مجازی و به‌خصوص دانشگاه‌های کشور دست به انتشار نشریات و تحلیل‌هایی از وضعیت زدند که در 2 سال اخیر با شدت و حدتی بیشتر و با صراحتی وقیحانه که تصور می‌شد تنها نیروهای امنیتی رژیم از پس آن برمی‌آیند، دست به انتشار دفاعیه‌هایی تمام قد از پروژه‌های سیاسی نظامی سپاه پاسداران در منطقه و داخل زده است.

در آخرین مانور گفتمان امنیتی این طیف پس از ترور محسن فخری زاده، این روزها دقیقاً در حال ایفای نقشی علیه گفتمان مبارزان راستین علیه وضع موجود هستند که حاصل 4 دهه حیات رژیم جمهوری اسلامی است:

- زدودن هر گونه بار معنایی و اهمیت مبارزه ضدامپریالیستی برای زحمتکشان و کارگران،
- دست بردن در تاریخی از مبارزات درخشان نیروهای مبارز کارگر و خلقی در خاورمیانه و ایران بر علیه دُول امپریالیستی به این شکل که از جنبش جنگل تا مصدق و جنبش مسلحانه جملگی همین حساسیت ضدامپریالیستی (بخوانیم ضداستکباری) ایشان را داشتند.

این پروژه‌ی مصادره تا محقق شدن ثباتی در ماندگاری رژیم جمهوری اسلامی، نیروهای شبه نظامی متحدش و طرف‌های مذاکره غربی اش پایانی نخواهد داشت.

این که چگونه، تاریخ مبارزات زحمتکشان پس از چند دهه در اذهان امروز این گروه، معنای سیاسی خود را از دست داده است، ما را باید متوجه نیروهایی کند که خط محورمقاومت را در منطقه شکل داده‌اند، محوری با سرکردگی سپاه پاسداران و متحدانش: حماس، حزب الله، جهاد اسلامی، نیروهای شبه نظامی حوثی در یمن، حشدالشعبی در عراق، اسد در سوریه.

گفتمان‌سازی حول محور مقاومت اما به حوزه‌های دیگری، هرچند جزئی نفوذ کرد: سه جریان مجله هفته، نشریاتی دانشگاهی چون «آنک»، «چشمه»، «پایندیا»، «آذر»، «تیمار» در دانشگاه‌های تهران، نشریه «گولان» در دانشگاه کردستان و سایت کذابی «تدارک کمونیستی» با رئیس فرقه شان آقای بهمن شفیق، از جمله اندام‌ها و پیکرهایی از گفتمان محورمقاومت است که خزعبلات موسوم به «علیه

سرنگونی / علیه سرمایه داری” نمی‌تواند دفاع جانانه شان از طبقه حاکم در ایران را زیر کلی گویی های مارکسیستی لاپوشانی کند.

در سرتاسر این نشریات دانشگاهی با ادبیات و محتوایی سروکار داریم که نیمی از آن کلیدواژه های خامنه ای است برای سرکوب معترضان دی و آبان، و نیمی از آن برگرفته از سایت‌هایی چون تدارک کمونیستی و مجله هفته که با عباراتی چون «انهدام اجتماعی در سوریه»، خواهان نابودی هر جبهه ی مترقی‌ای بودند که در برابر نیروهای سپاه، اسد و داعش در حال مبارزه برای آرمان‌رهایی بودند؛ آنهم تنها به واسطه همکاری نظامی این جبهه ها (مشخصا روژآوا) با نظامیان غرب در دوره ای که بر علیه داعش می‌جنگیدند.

جالب آنکه همکاری نیروهای سپاه با ارتش غرب علیه داعش، در معادلات‌شان جایی نداشت و فقط این کوردهای امپریالیست دوست بودند که همکاری‌شان با غرب باید زیر ذره‌بین می‌رفت! فراتر از این به دفاع تمام قد از “بشاراسد”ی برخوردارند که حکومت خاندانش به قاتلین کمونیست‌های لبنانی معروف گشته است.

پس از دی ماه اولین کلیدواژه هایی که خامنه ای با آن نیروهای سپاه و جهادی-بسیجی اش را برای سرکوب فراخواند، در این سه جریان ضدامپریالیست گل سرسبد هر تحلیلی شده بودند: اغتشاش‌گران سرنگون‌طلب. پس از اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران در اردیبهشت 98 به حجاب اجباری که هوشمندانه با جریان‌های مُنحطی نظیر مسیح علی‌نژاد فاصله‌گذاری کردند، نشریاتی چون «چشمه» چنین لب به لجن‌پراکنی گشودند: «تجمع روز دوشنبه دانشگاه تهران، جایی در کنار اعزام ناوهای به خاورمیانه می‌ایستد.»

در آخرین ورژن کاسه ليسان محورمقاومت، نشریه پایدیا که در دشمنی اش با رهایی طبقه کارگر و هر گونه مبارزه در خاورمیانه گوی سبقت را از همه ربوده، نقش خود را اینگونه تعریف می‌کنند:

“البته باید مدنظر قرار داشت که وقتی از مبارزه ی ضدامپریالیستی به مثابه حقیقت سخن می‌گوییم نسبت این مبارزه با نیروهای واقعا موجود پیش‌برنده چیست؟ در ایران به مثابه مرکز فرماندهی نیروهای واقعا موجود پیش‌برنده ی مبارزه ی ضدامپریالیستی، مناسبات سرمایه دارانه‌ی تحکیم یافته، مانع از آن می‌شود که جمهوری اسلامی بتواند مبارزه با امپریالیسم را تا انتهای منطقی خود و در چارچوب یک راهبرد جهانی و پیگیرانه دنبال کند. این ناپیگیری ساختاری برای پیروان سوسیالیسم علمی ایجاب می‌کند که با حفظ استقلال نظری-سیاسی خود نسبت به این نیروها □ مبارزه ضدسرمایه دارانه را به شکلی هوشیارانه درون جبهه کلی ضدامپریالیستی و با تعهد به دفاع از حفظ این نیروها به پیش ببرند. هوشیاری از این جهت که آگاهانه از سیاست جنبشی تن زده و سیاست حوزه ای را دنبال کنند، چرا که اگرچه در سطح نظری- سیاسی، استقلال از این نیروها نه تنها ممکن بلکه ضروری است، اما در سطح جنبشی هستی اجتماعی، هرگونه رسانه یا جنبشی که تاکنون خود را بر علیه حاکمیت تعریف کرده، از اینکه بتواند تعارض خود با حاکمیت را در شکلی غیرامپریالیستی بیان و پیگیری کند ناتوان بوده و خواسته یا ناخواسته در اردوگاه سرنگونی طلبان که پیش‌برنده برنامه ارتجاعی آمریکا در منطقه هستند، قرار گرفته است.”

این فراز تمام و کمال توضیح دهنده مواضع جریانات امنیتی محورمقاومتی است.

همچنان که خود نویسنده نیز اذعان دارد این دیدگاه شاید به لحاظ نظری-سیاسی نسبت به نیروی های رژیم استقلال داشته باشند اما تنها استقلال، آنهم در سطح واژه پردازی و بیانی که نهایتا هدف، انگیزه ها و آنچه موجب این دیدگاه نظری-سیاسی شده، برگرفته از همان اهداف و انگیزه های نیروهای واقعا موجود طبقه حاکم ایران است.

کل زیربنای این دیدگاه حاصل سلطه نفوذ بورژوازی در سنت مارکسیستی است که تصور می کند در کشوری با ضدکارگری ترین و سرکوب گرتترین دولتش می تواند از رهایی کارگران بگوید و بر علیه سرمایه داران قد علم کند، آن هم بدون آنکه انگیزه ای برگرفته از نیروهای واقعی چپ و یا مابه ازایی در جزئی ترین امور واقعی آن را در نظر داشته باشد.

اگر قرار بر اثبات حقانیت مبارزه با امپریالیسم است: اول اینکه، تاریخ جمهوری اسلامی به وضوح نشان دهنده به بن بست کشاندن این مبارزه و قتل و عام خود مبارزین این جبهه بوده است. دوم اینکه، هیچ مبارزه ضد امپریالیستی در سطح منطقه بدون مبارزه مداوم انقلابی سوسیالیستی در داخل کشور نمی تواند معنی دار باشد.

لذا سرسپردگی تام و تمام به نیروهای واقعا موجود جمهوری اسلامی به عنوان مرکز فرماندهی مبارزه با امپریالیسم و از آن دلخوشی و دل مشغولی به چند واژه و اصطلاح مارکسیستی (یا به زبان نشریه ای پایدیا «استقلال نظری-سیاسی»)، نه تنها نشان از انحراف مبارزه با سرمایه داری است، بلکه سرتاپا خدمتی به طبقه حاکم در ایران است که همواره در راستای منافع امپریالیسم به روی هر مبارزه ای خلقی و کارگری رگبار بسته و خواهد بست.

اگر جریان امنیتی محورمقاومت خود را بریده از آنچه در کف خیابان های خونین دی ۹۶ و آبان ۹۸ روی داده و خواهد داد، بریده از آنچه در سپهرهای اعتصابات کارگری رخ می دهد، و بریده از هر تقلا و کوششی برای پیش برد مبارزه علیه جمهوری اسلامی در مقام مجری دستورالعمل های نئولیبرالیسم به عنوان وجه مالی امپریالیسم مطابق با نسخه های صندوق بین المللی پول می داند، این همه نه به دلیل فقدان نیروهای مؤثر سوسیالیست در داخل یا اولویت خطر امپریالیسم برای جبهه کارگری، بلکه به دلیل سرسپردگی واقعی اش به رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران وطنی است که تنها نیروی واقعی و مرکز فرماندهی مبارزه برای او محسوب می شود.

از این جهت اگر هم تا به امروز موضع گیری افرادی که تعلق خاطری به بیانات این جریان داشتند، به چشم ناآگاه بودن شان نگریسته شده، امروز دیگر هر دفاعی از جریانات تدارک کمونیستی، مجله هفته و نشریات نام برده، و یا تبلیغ و ترویج خطی از آن، بایستی به مثابه دشمنی با آرمان طبقه کارگر و ضدیت حقیقی با مبارزه علیه امپریالیسم، و نیز ضمنا همدستی با نیروهای امنیتی نظام ضدکارگر جمهوری اسلامی نگریسته شود. باید پیوسته نقاب از چهره ای این ریاکاران برکشید تا تاریخ مبارزات درخشان چپ علیه امپریالیسم را لکه دار نکنند.

